

یادداشتی بر کتاب «کار من بود» نوشته محمد رحمانی

## روایت بازیگرانی که مجری خارجی‌ها بودند

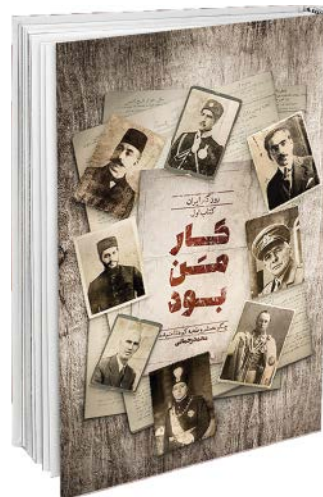
پونه فضالی  
منتقد ادبی

در همین ابتدای کار بگویم که اگر به دنبال کتابی در حوزه تاریخ ایران با تحلیل‌های شاذ یا تخصصی هستید، سراغ این کتاب نروید. اگر اهل خواندن کتاب‌های تالیف یا ترجمه که به جزئیات تاریخی همراه با نظریه‌های مختلف پرداخته‌اند هستید، این کتاب حرف تازه‌ای برای‌تان ندارد. اگر محقق یا پژوهشگر تاریخ هستید، خواندن این کتاب گرهی از ذهن شما باز نمی‌کند. اما اگر می‌خواهید برای شروع به سراغ کتاب‌های تاریخ معاصر بروید و اطلاعات اولیه و جامعی به دست بیاورید یا به دنبال اثری هستید که مختصر و مفید بخشی از اتفاقات صد سال اخیر کشور را با زبانی ساده و روان و نثری جذاب بیان کرده باشد، خواندن این کتاب می‌تواند به شما کمک کند.

این کتاب در واقع اولین جلد از مجموعه‌ای به نام «روزگار ایران» است که هدف آن ارائه اطلاعات تاریخی به عموم مردم و خوانندگان علاقه‌مند به تاریخ است و تکیه بر اسناد و کتب تاریخ شفاهی دوران مورد نظر پژوهش، مهم‌ترین ویژگی آن است. خواندن خاطرات افراد نظامی و سیاسی جذابیت‌های غیرقابل انکاری دارد و در این اثر تلاش شده در یک خط سیر، وقوع اتفاقات از منظر افراد مختلف بیان شود و در نهایت نتیجه‌گیری بر عهده خود خواننده قرار داده شده است.

به دلایل فوق، کتاب به جریان وقایع پیش‌آمده از بعد از استبداد صغیر و روی کار آمدن احمدشاه قاجار که به مشروطه دوم مشهور است تا وقوع کودتای سوم اسفند و متعاقب آن قدرت‌گرفتن رضاخان و ترفیعش از درجه قزاقی به سردار سپهی پرداخته است.

کتاب در چهار فصل تدوین شده که فصل اول به طور مختصر به برآمدن و سقوط سلسله قاجاریه اختصاص یافته است. نویسنده در این بخش



ضمن پرداختن به دلایل و زمینه‌های انقلاب مشروطه و فراز و فرود آن، نگاهی هم به اتفاقات جهان از جمله وقوع جنگ جهانی اول داشته است. از نظر وی انقلاب روسیه که منجر به ترک موقت ایران از سوی این کشور شد و نیز شکست آلمان و عثمانی در جنگ بین‌الملل اول، زمینه را برای نفوذ هرچه بیشتر انگلستان فراهم کرد. این عوامل به اضافه هرج و مرج ایجاد شده در کشور، شرایط را برای تغییراتی اساسی در ساختار سیاسی ایران فراهم ساخت. تغییراتی که به صلاحدید و دستور عوامل انگلیسی و با حمایت آنها شکل گرفت.

در جریان قرارداد ۱۹۱۹ که بین دولت انگلستان و برخی رجال خائن قاجار منعقد شده بود، چهره منفوری از این کشور برای افکار عمومی ایران ترسیم شد. علاوه بر آن تبلیغات بلشویک‌های تازه به قدرت رسیده در شوروی هرچه بیشتر

بر آتش این بی‌زاری دامن می‌زد. پادشاهی انگلیس از یکسو بابت محبوبیت روسیه احساس خطر کرده بود و از سوی دیگر به دلایلی دیگر توانایی اداره مستقیم کشورهای تحت سلطه خود را نداشت. فصل دوم کتاب به پنهان و آشکار رقابت روسیه شوروی و انگلیس، مناقشات این دو کشور و سیاست‌های ناشی از آن در ایران می‌پردازد.

انگلیس که تا قبل از این زمان، بی‌میل به مستعمره‌ساختن ایران و قراردادن یک نایب‌السلطنه در کشور نبود، با اعتراضات گوناگون خواص و عوام از این هدف منصرف شد. اما همچنان به دنبال کسب منافع خود در ایران از طریق ممانعت از گسترش و نفوذ شوروی و افکار سوسیالیستی و تحت سلطه قرار دادن حکومت کشور بود. همین امر نهایتاً انگلیسی‌ها را به فکر تغییر ساختار حاکمیت و شاید تغییر سلطنت انداخت.

فصل سوم کتاب به وقایعی اشاره می‌کند که کودتای سوم اسفند را رقم زد. کودتایی نظامی که با برنامه‌ریزی عوامل انگلیسی و به رهبری یک انگلوفیل دوآتشه به نام سیدضیاءالدین طباطبایی انجام گرفت. کسی که نه تنها هرگز از کودتا علیه سلطنت قاجار پیشمان نبود، بلکه تا آخر عمرش به مزدور انگلیس و مجری دستورات این کشور بودن اذعان و افتخار می‌کرد.

فصل آخر کتاب به اتفاقات صد روزه دولت کودتا پرداخته است؛ دولتی که شعارش ایجاد تغییرات اساسی عام‌المنفعه بود. سیدضیاء تلاش کرد در مدت کوتاه رئیس‌الوزرای‌اش اقداماتی انجام دهد اما به دلیل وقوع اختلافات ناکام ماند. دولت او دولت مستعجل شد و به همان سرعتی که توسط انگلیسی‌ها روی کار آمده بود، به برکناری رضایت داد.

محور روایت کتاب بازیگران تاریخ و نحوه عمل آنهاست. بازیگرانی که آگاهانه یا ناآگاهانه مجری عاملانی خارجی شدند؛ همان عاملان و آمرانی که همواره به دنبال منافع کشورهای متبوع خود بودند. آبرونساید فرمانده نیروهای انگلیسی در ایران سال‌ها بعد در خاطراتش در بخش مربوط به کودتای ایران می‌نویسد: «گمانم مردم همه می‌پندارند کودتا را من راه انداختم، راستش را بخواهید شاید هم کار، کار من بوده است.»

کتاب «کار من بود» در واقع بیشتر از آن که تالیف باشد تدوین است و اگرچه نویسنده تلاش کرده است که خط روایی اثر از دست نرود، در برخی مواقع نقل‌قول‌های طولانی و ارجاعات زیاد به منابع، برای خواننده سردرگمی ایجاد می‌کند. از نقاط قوت کتاب پیشگفتار و مقدمه آن است و نیز طرح جلد مناسب، صفحه‌آرایی خوب و تصاویر باکیفیت، زیرنویس‌ها و فهرست منابع کافی و مفید که در مجموع آن را به کتابی خوشخوان و جذاب تبدیل کرده است.



کتاب کار من بود، در واقع اولین جلد از مجموعه‌ای به نام «روزگار ایران» است که هدف آن ارائه اطلاعات تاریخی به عموم مردم و خوانندگان علاقه‌مند به تاریخ است و تکیه بر اسناد و کتب تاریخ شفاهی دوران مورد نظر پژوهش، مهم‌ترین ویژگی آن است. خواندن خاطرات افراد نظامی و سیاسی جذابیت‌های غیرقابل انکاری دارد و در این اثر تلاش شده در یک خط سیر، وقوع اتفاقات از منظر افراد مختلف بیان شود و در نهایت نتیجه‌گیری بر عهده خود خواننده قرار داده شده است.

## یادداشت

معرفی کتاب «تونل سوم»  
خرده‌ماجراهای جذاب

رضا شعبانی

خبرنگار

نوشتن برای نسل امروز مشکل است و این مسأله فقط منحصر به حوزه انقلاب اسلامی که موضوعی تاریخی است، نمی‌شود و همه موضوعات مبتلابه امروزی را نیز شامل می‌شود. خیلی اهمیت دارد که نویسنده چه

زاویه دید، چه زبان و چه شیوه روایی را انتخاب کند که بچه‌های امروزی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین زمانی که می‌خواهیم داستانی انقلابی برای کودک یا نوجوان بنویسیم، این مسأله از اهمیت خاصی برخوردار است و بهتر است از مستقیم‌گویی پرهیز کنیم تا بچه‌ها پس‌نزنند و با متن ارتباط برقرار کنند. از سویی برای خلق داستان با موضوع انقلاب هرچه نویسنده تجربه زیستی و مطالعاتی پررنگ‌تری داشته باشد، اثر ماندگارتر و گیراتری خلق می‌کند. زمانی که مستقیم‌گویی کنیم مجبوریم شعار دهیم، موضعگیری کرده و حق و باطل کنیم. در صورتی که امروزه زمینه فکری بچه‌ها، نسبی شده و به صورت حق و باطل مطلق به موضوعات نمی‌نگرند و این نسبیت‌گرایی، موضوع مهمی است که باید در زمان نوشتن برای کودک و نوجوان امروزی مورد توجه قرار گیرد. «تونل سوم» از آن دست رمان‌های خواندنی با



موضوع انقلاب و البته درونمایه بلوغ شخصیت و پیر از خرده‌ماجراهای جذاب و اولین اثر فاطمه الیاسی است که از سوی انتشارات شهید کاظمی در ۱۷۴ صفحه به بازار نشر

عرضه شده است.

کتاب داستان پسر نوجوانی به نام وحید است. او در مدرسه چندان کودک محبوبی نیست؛ اما کم‌کم با بزرگ شدنش نگاهش به دنیا تغییر می‌کند. داستان با کودکی وحید در مدرسه شروع می‌شود و با جوانی او ادامه پیدا می‌کند. جایی که وحید به صف انقلابیون می‌پیوندد و جلوی جنایت‌های رژیم شاهنشاهی می‌ایستد.

«تونل سوم» تلاش می‌کند تا یک بازنمایی از مبارزات نیروهای انقلاب در سال ۵۷ به مخاطب ارائه داده و بخشی از تلاش این نیروها برای مبارزه با رژیم شاه در کرمانشاه را پوشش دهد. فاطمه الیاسی می‌کوشد در این رمان نوجوان، به مقابله با تحریف تاریخ پهلوی پرداخته و نشان دهد چگونه این رژیم با خرابکاری‌های مختلف سعی در بدنام کردن نیروهای مبارز انقلاب داشته است. «تونل سوم» جزو آثار راه‌یافته به مرحله نهایی جشنواره داستان انقلاب در سال ۹۹ بود و در همین سال و جشنواره جایزه ادبی شهید اندرزگو، به عنوان اثر برگزیده گروه کودک و نوجوان انتخاب شد. این رمان دارای یک محتوای تاریخی معتبر بوده و نویسنده برای خلق آن، فرم کلاسیک و قالب شاه‌پیرنگ را انتخاب کرده است. او خرده‌ماجراها را نیز به فراخور موقعیت خلق و چاشنی اصل داستان کرده است. در بخشی از کتاب آمده است: زبان‌ش مثل یک تخته خشک به دهانش چسبیده بود و تکان نمی‌خورد. این قدر دکمه پیراهنش را پیچانده بود که دکمه از جا کنده شد و توی مشتت افتاد. بچه‌ها خیره نگاهش می‌کردند و پلک نمی‌زدند. طعم صدادزدن‌های یهویی را چشیده بودند و می‌دانستند تنبیه اساسی در انتظار وحید است. میرزایی فریاد زد: «حبیبیان! گفتم پاشو برو دفتر!» وحید سرش را پایین انداخت و از خودش پرسید: «کی گفتم برم؟»

برگ سبز و سند تیبیا ۲ مدل ۱۴۰۱ به شماره  
پلاک ۱۷۳ ص ۹۶ ایران ۲۴ شماره شاسی  
NAS821100N1056386 و شماره موتور  
M15/9570472 به نام اسماعیل بخت مقفود  
گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی و برگ سبز، برگ گمرک خودرو سواری  
هیوندای سوناتا مدل ۲۰۰۷ به رنگ سفید صدفی  
متالیک شماره انتظامی ایران ۶۷-۴۸۷ ل ۴۸  
شماره موتور G6DB6A694318 شماره شاسی  
KMHEU41FP7A284662 به نام فاطمه سادات  
خلیفه سلطانی مقفود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری پژو  
TUS5 مدل ۱۳۹۳ به رنگ خاکستری  
متالیک شماره انتظامی ایران ۶۷-۷۲۶ ج ۳۱  
شماره موتور 139B0058138 شماره شاسی  
NAAN11FC8EK682546 به نام رحیم بیات  
مقفود گردیده و فاقد اعتبار است.